

## چالش‌های اقتصاد کلاسیک از منظر حق بر توسعه

احمدرضا توحیدی<sup>۱</sup>، بهنام سالم<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

<sup>۲</sup> دکترای اقتصاد و دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران

نویسنده مسئول:

بهنام سالم

### چکیده

در جهان معاصر بشر با بحران‌های مختلفی مواجه است. توریسم جهانی، حنگ‌های منطقه‌ای، بحران محیط زیست، فقر جهانی و عدم وجود عدالت اقتصادی در جهانی شدن از جمله مشکلات جهان ما محسوب می‌شوند. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای جهان با توجه به تجربیات تاخ دو جنگ خانمانسوز در صدد ایجاد سازمان و مکانیسمی برای مدد تا اختلافات کشورها از طریق مساملت آمیز حل و فصل شود که بر این اساس سازمان ملل متعدد ایجاد شد و منشور این سازمان بستر قانونی آن را فراهم نمود. بر این اساس به طور کلی توسل به زور ممنوع شد مگر در موارد کاملاً استثنایی<sup>۱</sup> بعد از این ما شاهد توجه به مبانی و اصول حقوق بشری در صحنه بین‌المللی بوده‌ایم. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ به طور اجمالی ضمن لزوم رعایت کرامت بشری یک سری از حقوق انسانی را مذکور شد. در مراحل بعدی توسعه حقوق بشر ما شاهد معرفی حقوق مختلف بشری و لزوم حمایت هر چه بیشتر از این حقوق هستیم. میثاقین مربوط به حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی از جمله این اسناد هستند.<sup>۲</sup>

این روند تکاملی حقوق بشری همچنان ادامه دارد و امروز حقوق بشر نسل سوم مطرح است که حق توسعه، حق استفاده از محیط پست سالم از جمله مهم ترین آن‌ها تلقی می‌شوند. در این تحقیق اولاً چالش‌های اقتصاد معاصر به لحاظ نظری در بحث تعادل اقتصادی، توسعه نامتوازن، مشکلات جهانی شدن مطرح می‌شود. ثانیاً حق توسعه به عنوان مهم ترین حق بشری مطرح می‌شود و تأکید می‌شود اگر این حق بر معنای واقعی خود محقق نشود سایر حقوق بشری نیز به طور مطلوب محقق نخواهد شد. و در انتهای این تحقیق نتیجه آن بیان می‌شود.

**کلمات کلیدی:** توسعه، حق بر توسعه، عدم تعادل اقتصادی، عدم تعادل منطقه‌ای، جهانی شدن.

<sup>۱</sup> مطابق ماده (۲) منشور توسل به زور و حتی تهدید به آن هم ممنوع است و این به عنوان اصل اساسی مطرح است. تنها در دو حالت توسل به زور توجیه دارد یکی در موقع حق تبیین سرنوشت و دفاع مشروع انفرادی و دیگری در مورد دفاع مشروع جمعی که توسط شورای امنیت مطابق فصل هفتم قابل اجرا است.

<sup>۲</sup> میثاق حقوق مدنی سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی هر دو در ۱۹۶۶ به تصویب رسیدند و حاوی مهم ترین حقوق بشری برای اعتلای بشر در رعایت کرامت انسانی او هستند.

**مقدمه****۱. چالش‌های مربوط به تعادل اقتصادی**

آنچه که در متون درسی اقتصادی بحث می‌شود این است که با توجه به شرایط رقابت کامل در اثر تعامل عرضه و تقاضا در بازار یک تعادل منحصر به فرد تحت عنوان (بهینه پارتو) ایجاد می‌شود که در این نقطه تخصیص بهینه کالاهای و عوامل تولیدی انجام می‌شود. در همین زمینه بحث می‌شود که اگر عدم تعادلی هم باشد توسط مکانیسم دست نامری در اقتصاد برطرف می‌شود و در نهایت به تعادل می‌رسیم.<sup>۳</sup>

اما شواهد و وقایع، خلاف این نظریه را ثابت کرد مهمترین بحرانی که به آن اشاره می‌شود بحران ۱۹۲۹-۳۰ است که شکست اقتصاد کلاسیک را نشان داد<sup>۴</sup>. جان مینارد کینز اقتصاددان انگلیسی به طور جدی تعادل کلاسیکی را مورد انتقاد قرار داد و مدعی شد که این تعادل واقع نمی‌شود و به جای تعادل ما شاهد عدم تعادل هستیم. تاکید کینز بر عدم تعادل در بازار کار وجود بیکاری ارادی و غیررادی بود و این که عدم تعادل بازار کار موجب عدم تعادل اقتصادی خواهد شد. در واقع کینز اظهار داشت که ما با عرضه و تقاضای سهمیه بندی روبرو هستیم و دست نامری هم نمی‌تواند عمل کند و اگر هم تازه بخواهد عمل کند زمان می‌برد<sup>۵</sup>. بر این اساس کینز معتقد به دخالت فعل دولت (مثلًاً از طریق افزایش مخارج دولتی) بود و به سیاست‌های پولی اعتقادی نداشت. این نظریه امروزه طرفداران زیادی دارد و براساس آن بسیار از دخالت‌های دولت در اقتصاد برای ایجاد بستری برای رقابت کامل قابل توجیه است.<sup>۶</sup>

**۱-۱. عدم تعادل در بازار پول**

در این قسمت از تحقیق عدم وجود تعادل در بازار پول که منجر به رکود می‌شود بررسی می‌شود. کینز در کتاب خود تحت عنوان (نتوری عمومی اشتغال، بهره و پول) عدم تعادل اقتصاد کلاسیکی را مورد بحث قرار می‌دهد.<sup>۷</sup>

**الف) اصول موضوعه اقتصاد نئوکلاسیکی و اقتصاد کینزی<sup>۸</sup>**

مطابق نظریات اقتصاد پولی دو اصل اساسی در اقتصاد حاکم است:

۱. وقتی که مانده‌های واقعی همچنان افزایش می‌یابد، مطلوبیت نهایی پول نهایتاً به صفر می‌رسد.

۲. بازارها در هر نقطه از زمان تسویه می‌شوند.

در فرض اول پول تنها دارای یک وظیفه است و آن هم انگیزه معاملاتی است و لذا مطلوبیت نهایی آن در نهایت به صفر می‌رسد و تعادل برقرار می‌شود. در این تحلیل کلاسیکی اقتصاددانان کلاسیکی فرآیند تعديل را حذف کرده و صرفاً آن را به عنوان پدیده ای کوتاه مدت در نظر می‌گیرند که در واقع در فرض دوم یعنی تسویه بازار در هر زمان متجلی می‌شود.

اما تحلیل کینزی خلاف این را نشان می‌دهد. در تحلیل کلاسیکی براساس تعديلات قیمتی (قیمت گذاری والراسی) تعادل بازار رقابت کامل ایجاد می‌شود اما تحلیل کینزی بر مبنای قیمت گذاری غیروالراسی در جریان تعديل است یعنی مکانیسمی غیر از عرضه و تقاضای قراردادی (متعارف) را در نظر می‌گیرد. براین اساس درآمد به طور پایدار کمتر از درآمد کلاسیکی قرار می‌گیرد. اما می‌توان نشان داد حتی در تعديل قیمتی والراسی نیز براساس تحلیل کینزی ما عدم تعادل داریم. اصول (فروض) کینزی به شرح ذیل هستند:

۱. مطلوبیت نهایی پول (دارایی) حتی وقتی که مانده‌های واقعی پول نهایت افزایش را دارند مثبت باقی می‌ماند.

۲. سرعت تعديل قیمتی محدود است. و در نتیجه ما شاهد مازاد عرضه (تقاضا) در بازار هستیم که موجب انقباض (تورم) می‌شود.

<sup>۳</sup> بر این اساس در این اقتصاد شعار بگذرد و بگذر باشود مطرح می‌شود معنای آن این است که باید آزادی اقتصادی برقرار شود و از هر گونه دخالت در بازار اجتناب شود.

<sup>۴</sup> در حال حاضر نیز انواع بحران‌های اقتصادی از جمله سقوط بازار سهام و رکود بخش مسکن و رکود جهانی کماکان به طور جدی و ملموس وجود دارد.

<sup>۵</sup> این که کلاسیک‌ها گفتند بازار بعد از مدتی به تعادل می‌رسد مورد قبول کینز نبود و شعار معروف او این بود که در بلندمدت ما مرده ایم و لذا اینکه در بلندمدت تعادل حاصل می‌شود مورد قبول او نبود و تاکید داشت دولت باید دخالت نماید.

<sup>۶</sup> در بحث نظری اقتصاد کینز و طرفداران او تحت عنوان (مالیون) نامگذاری شده اند و نظریات آن تحت عنوان (عدم تعادل) مطرح است. امروزه کینزین‌های جدید از جمله نظریات مهم اقتصادی محسوب می‌شود که صاحب نظران آن نه تنها عدم تعادل بازار کار بلکه عدم تعادل در بازار پول را مورد تاکید قرار داده اند.

<sup>7</sup> Keynes (1936:5-6)

<sup>8</sup> در این تحقیق اقتصاد معاصر مورد تحلیل قرار می‌گیرد که اعم از اقتصاد کلاسیکی (کلاسیک جدید)، نئوکلاسیکی و پولی می‌باشد..

در واقع فرض اول کینزی حاکی از اشباع ناپذیری پول است که خود این فرض نشان می‌دهد انگیزه نگهداری پول تنها انگیزه معاملاتی نمی‌باشد. پول خواصی دارد که تقاضای آن را اشباع ناپذیر می‌سازد. با پول ما قدرت اجتماعی کسب می‌کنیم ضمن آنکه می‌توانیم هر نوع کالا و دارایی را که می‌خواهیم بخریم.<sup>۹</sup> به هر حال براساس دو فرض فوق الذکر ما شاهد عدم تعادل و رکود دائمی خواهیم بود و آنچه که کلاسیک‌ها به عنوان تعادل مطرح می‌کنند یک حالت حدی و استثنایی از موقعیت مذکور است.

### (ب) مطلوبیت پول

همان طور که بیان شد پول از نظر کلاسیک‌ها (نهوکلاسیک‌ها) صرفاً وسیله‌ای برای نگهداری ثروت و وسیله مبادلات است که این واقعیت ندارد. برای اینکه موضوع مجسم شود به داستانی اشاره می‌شود که توسط کریستین آندرسن (۱۸۳۶) بیان شده است: زنی ۱۲ تخم مرغ داشت و در رویای خود فکر فروشن آنها را داشت که می‌توانست چیزهای دیگری را بخرد و در نهایت تخم مرغ‌ها افتادند و آرزوهای او هم از بین رفت تخم مرغ‌های او نه تنها قابل خوردن بود بلکه به او امکانات مختلفی برای خرید سایر کالاها طبق رویاهایش می‌داد. بنابراین خود پول دارای مطلوبیت است و مارکس هم در کتاب سرمایه خود به این واقعیت اشاره می‌کند. او می‌گوید کالاهایی فروخته می‌شوند نه با هدف خرید سایر کالاها بلکه برای اینکه کالای به شکل پول جایگزین کالاهای قبلی شود. بدینسان به جای صرفاً وسیله‌ای از جریان کالاها، این تغییر شکل دارایی به عنوان هدف مطرح می‌شود.<sup>۱۰</sup>

به هر حال مارکس معتقد بود مطلوبیت نگهداری پول دارای خاصیت کاملاً طبیعی از اشباع ناپذیری آن است.<sup>۱۱</sup> کینز در فصل هفتم تحت عنوان خصوصیات اساسی بهره و پول در کتاب نظریه عمومی به خاصیت اشباع ناپذیری مطلوبیت پول اشاره می‌کند و رکود ناشی از این خاصیت را متذکر می‌شود و خاصیت نقدینگی پول را به صورت مطلوبیت پولی اندازه‌گیری شده به شکل درآمد پولی بیان می‌کند. سپس او بهترین تعریف یک اقتصاد به اصطلاح پولی را به این صورت بیان می‌کند: اقتصادی که در آن هیچ دارایی وجود ندارد که نقدینگی آن بیشتر از هزینه‌های حمل آن باشد.<sup>۱۲</sup> با توجه به اینکه هزینه حمل پول صفر است این کلام کینز متناسب آن است که در آن یک دارایی وجود دارد (مثلاً پول) که برای آن همیشه قدرت (امتیاز) نقدینگی اکیداً مثبت است یعنی مطلوبیت پول اشباع ناپذیر است.

به هر حال مطالب فوق الذکر بدین جهت عنوان شد تا اصل کینزی مطرح شده توجیه شود. او با توجه به این نکته در فصل هفدهم کتاب خود (نظریه عمومی) رکود را تحلیل می‌کند. امروزه با تحلیل پویای تعادل در اقتصاد پولی ثابت شده است حتی بدون چسبندگی قیمت – دستمزد هم ما شاهد رکود دائمی هستیم.<sup>۱۳</sup>

## ۲. چالش‌های توسعه نامتوازن

به طور کلی اقتصاد کلاسیکی موجب توسعه نامتوازن در اقتصاد داخلی می‌شود و این عدم توازن هم در سطح بخش‌های اقتصادی و هم در سطح مناطق مشاهده می‌شود. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ معيار توسعه GDP (تولید ناخالص داخلی) یا درآمد سرانه بود ولی با توجه به شکاف عمیق درآمدی میان مناطق نظرات توسعه متوازن و رشد همراه با عدالت مطرح شد.

### ۲-۱. کلیاتی در مورد توسعه اقتصادی

در یک تعریف کلی توسعه اقتصادی یعنی رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی یعنی ارتقای فرآگیر و همه جانبی سطح زندگی و رفاه جامعه<sup>۱۴</sup>:

#### ۲-۱-۱- شاخص توسعه

شاخص‌های توسعه مختلفی برای اندازه‌گیری توسعه در ادبیات اقتصادی تعریف شده اما با توجه به اهداف این تحقیق چند شاخص مهم توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

<sup>9</sup> Ono, Yoshiyaso, (1994) P. 2-4.

<sup>10</sup> Marx, 1906: 150

<sup>11</sup> Marx, 1906: 146

<sup>12</sup> Keynes, 1916: 239

<sup>۱۳</sup> برای مطالعه بیشتر به منبع ذیل رجوع شود:

Ono, Yoshiyaso, (1994), Money, Interest and Stagnation. Clarendon Press, Oxford.

<sup>۱۴</sup> متولی، محمود (۱۳۸۲)، ص ۱۲

**(الف) شاخص توزیع درآمد**

این شاخص در رابطه با عدالت اقتصادی مطرح می‌شود و بهره مندی آحاد جامعه را از موافق توسعه بیان می‌کند. شواهد نشان می‌دهد نابرابری در کلیه جوامع وجود دارد ولی شدت نابرابری در کشورهای در حال توسعه به مرتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه ضریب جینی است که بین صفر و یک است و هر چه به یک نزدیکتر باشد توزیع درآمد برابر است.<sup>۱۵</sup>

در فرآیند توسعه بر ایجاد نابرابری اشاره می‌شود. ابتدا باید سرمایه گذاری‌های زیربنایی انجام شود که به طور عمده دیر بازده هستند و از طریق وضع مالیات بر عموم مردم تأمین می‌شود و ایجاد نابرابری می‌نماید. طی زمان وقتی که سرمایه گذاری‌های زیربنایی به شمر رسیدند باز نابرابری ادامه یافته و حتی تشدید می‌شود. در مرحله بعدی رونق اقتصادی اقدامات و سیاست‌های رفاهی بسط می‌یابد و بر درآمدهای بالا مالیات تصاعدی وضع می‌شود و در نتیجه نابرابری کم شده و سیر نزولی می‌یابد.<sup>۱۶</sup>

**(ب) شاخص توسعه انسانی (HDI)**<sup>۱۷</sup>

این شاخص سه ظرفیت اساسی را در بردارد: کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی بهتر و برخورداری از عمری طولانی‌تر توام با سلامتی بیشتر برای اندازه گیری ظرفیت اول نرخ با سودای بزرگسالان و برای اندازه گیری ظرفیت دوم قدرت خرید واقعی افراد و برای اندازه گیری ظرفیت سوم از امید به زندگی در بدو تولد استفاده می‌شود. میانگین وزنی این سه شاخص تعیین کننده شاخص توسعه انسانی است. این شاخص بین صفر (حداقل) و یک (حداکثر) قرار دارد:

توسعه انسانی کم <HD<0/5

توسعه انسانی متوسط <HD<0/799

توسعه انسانی بالا <HD<1/8

معمولًا مقدار این شاخص در کشورهای توسعه یافته بالا است (ایالات متحده و ژاپن) و در کشورهای کمتر توسعه یافته کمتر است.<sup>۱۸</sup>

**۲-۲. دوگانگی اقتصادی**

یکی از معایب عمده نظریات توسعه اقتصادی معاصر ایجاد دوگانگی اقتصادی می‌باشد که این مشکل در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشورهای صادرکننده مواد اولیه به طور ملموس‌تری قبل مشاهده است. به طور کلی روند توسعه کشور باید از اقتصاد معیشتی و سنتی گذر نماید و به اقتصاد پیشرفتی و تولید انبوه برسد. به لحاظ تاریخی روند توسعه در اروپا با تولید ماشین بخار یا حتی قبل از آن با افزایش تولید کشاورزی توسط ماشین آلات نسبتاً پیشرفتی آغاز شد.

در کشورهای صادرکننده مواد اولیه (مثل نفت) عدم تعادل یا دوگانگی اقتصادی به مرتب بیشتر می‌شود. درآمد باد آورده ناشی از فروش دارایی ملی (که همیشه قیمت آن کمتر از ارزش واقعی آن بوده است) به اقتصاد ملی سرازیر می‌شود. کشور توان جذب این درآمد را به لحاظ ساختار ضعیف تولید ندارد و در نتیجه این درآمد صرف واردات خارجی می‌شود. این واردات انبوه صنایع بومی و سنتی را که قادر به رقابت نیستند نابود می‌کند. در مرحله بعدی با اتخاذ سیاست جانشینی واردات صنایع مونتاژ ایجاد می‌شود که وابستگی کشور را به فناوری خارجی افزایش می‌دهد و ساختار اقتصادی را با عدم تعادل و کارایی مواجه می‌سازد. جلوه دیگر دوگانگی وجود یک بخش پیشرفتی است که از فناوری پیشرفتی استفاده می‌کند و سرمایه گذاری‌های زیربنایی مربوط نیز همانند حمل و نقل، جاده و انرژی همانهنج با آن توسعه یافته است. این بخش پیشرفتی معمولاً در صنایع صادراتی و کشاورزی صادراتی (مثل ایجاد کشت و صنعت‌های مدرن) وجود دارد. در مقابل بخش سنتی و عقب افتاده فقط هزینه بخش مدرن را تقبل نموده و هیچ سهمی از ثروت ملی ندارد تازه اگر هم سهمی از این ثروت به آن برسد در مقایسه نسبی با بخش پیشرفتی کماکان در وضعیت ضعیف و عقب افتاده قرار دارد. نتیجه این روند ناسالم اقتصادی، مهاجرت بی‌رویه روستائیان، حاشیه نشینی فقر شدید، فساد و سایر مشکلات اجتماعی خواهد بود. پدیدهایی مانند تورم و بدتر از آن تورم رکودی (Stagnation) ناشی از عملکرد ضعیف اقتصادی و توسعه نامتناسب اقتصادی ایجاد خواهد شد.<sup>۱۹</sup>

<sup>۱۵</sup> متولی، محمود (۱۳۸۲) ص ۲۰

<sup>۱۶</sup> متولی، محمود (۱۳۸۲) ص ۲۲-۲۱

<sup>۱۷</sup> Human Development Index

<sup>۱۸</sup> متولی، محمود (۱۳۸۲) ص ۲۵-۲۶

<sup>۱۹</sup> متولی، محمود (۱۳۸۲) ص ۴۲-۵۰

### ۳. جهانی شدن و آثار اقتصادی آن

به طور اقتصاد کلاسیکی براساس نظریات مزیت اقتصادی مطلق (یا نسبی) تجارت جهانی را عامل رشد و توسعه در سطح جهان تلقی می‌کند. رشد تجارت در دهه ۱۹۸۰ به بعد حاکی از همین تفکر است. گات که بعداً تحت نام سازمان تجارت جهانی (WTO)<sup>۱</sup> فعالیت می‌نماید برای تشویق و تسهیل تجارت جهانی به وجود آمد. اصول مربوط به سازمان تجارت جهانی بر مبنای آزادسازی تجاری است. آزادسازی به معنای به حذف موانع غیرعرفه ای و کاهش موانع تعریفه ای است. بر این اساس یک برنامه تشییت برای کاهش زمان بندی شده نرخهای تعریفه توسط WTO تهییه شده کد الیته برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته امتیازاتی قائل شده است. در واقع کشورهای مذکور با توجه به ساختار ضعیف اقتصادی به زمان بیشتری برای کاهش نرخهای تعریفه نیاز دارند.<sup>۲</sup>.

در رابطه با آزادسازی تجاری مطالعات مختلفی انجام شده است. معمولاً آثار آزادسازی در کوتاه مدت و بلندمدت و نیز دوره انتقالی ارزیابی می‌شود. مسلماً آزادسازی دارای آثار منفی و مثبت است اما این که اثر نهایی آزادسازی چقدر است کاملاً مشخص نیست. بسیاری از طرفداران آزادسازی معتقدند آثار منفی کوتاه مدت موقتی است و آثار مثبت بلندمدت اقتصادی می‌تواند این آثار منفی را جبران نماید. آثار مثبت ناشی از دستیابی به بازارهای جهانی، انتقال فناوری، واردات ارزان قیمت و در نهایت حصول کارایی اقتصادی است. از جمله آثار کوتاه مدت افزایش تولید کالاهای صادراتی و کاهش تولید کالاهای وارداتی و نیز افزایش تولید کالاهای سرمایه ای است. دستمزد در بخش وارداتی افزایش و در بخش کالاهای صادراتی و غیرمبالغه ای کاهش می‌یابد. در دوره انتقالی شاهد خروج سرمایه و نیروی کار از بخش کالاهای وارداتی و بر عکس ورود سرمایه و نیروی کار به بخش کالاهای صادراتی هستیم. مضافاً شاهد ورود سرمایه به بخش غیرقابل مبادله و خروج نیروی کار از بخش غیرقابل مبادله هستیم. اینکه آثار کوتاه مدت آزادسازی فوری است یا زمان می‌برد و اینکه سرعت تعدیل زمانی میان آثار آزادسازی و نیز اثر آن بر نرخ ارز که می‌تواند عدم ثبات نیازمند کار تجربی است و جواب روشنی ندارد.<sup>۳</sup> با توجه به آثار منفی آزادسازی و محظوظانه آزادسازی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه هستند. نکته دیگر آنکه معمولاً در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته درآمد تعریفه ای سهم مهمی از درآمد آنها را تشکیل می‌دهد و کاهش تعریفه موجب کاهش شدید درآمد آنها می‌شود.

در مطالعه تجربی انجام شده در مورد تخمین آثار آزادسازی کشاورزی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی ضریب واردات کل در ایران و فیلیپین به عنوان دو کشور با درآمد کمتر از متوسط مثبت شده معهداً در مورد اشتغال، اثر آزادسازی مثبت تلقی شد. از طرف دیگر در همین دوره آزادسازی اثر منفی شدیدی بر اشتغال هند داشته است اما در پاکستان اثر مثبت بر سطح اشتغال داشته است. هر دو کشور با درآمد کم تلقی می‌شوند.<sup>۴</sup> در مطالعه تجربی اثر آزادسازی طی دوره ۱۳۸۱-۱۳۵۳ در مورد صنایع ایران نتایج مختلفی به دست آمده است. به طور کلی با توجه به آزادسازی از ۱۳۷۲ به بعد صادرات افزایش یافته است. همچنین تعریفه تاثیر منفی زیادی بر واردات داشته است به طوری که هر یک درصد افزایش تعریفه ۲/۴۳ درصد کاهش واردات را ایجاد کرده است. اثر دیگر این مطالعه که در نوع خود جالب می‌باشد این است که برخلاف سایر مطالعات که آزادسازی سبب افزایش واردات می‌شود در ایران سبب کاهش واردات شده که این نتیجه ناشی از آن است که اثر آزادسازی از اثر تعییف ریال (افزایش نرخ ارز واقعی) بیشتر است.<sup>۵</sup>

بر این اساس با توجه به آسیب پذیری اقتصاد ملی خصوصاً صنایع رقیب واردات و بخش‌هایی مانند کشاورزی و نیز مناطق محروم کشور باید در زمینه آزادسازی و الحقق به سیاست‌های WTO نهایت دقت و احتیاط را به عمل آورد. تجربه تلخ بعضی از بدھکارترین کشورها مثل آرژانتین و برباد عربتی برای سایر کشورها در رابطه با اتخاذ و اجرای سیاست‌های بانک جهانی و WTO بدون توجه به ساختارهای واقعی اقتصادی مالی است.

<sup>۱</sup> World Trade Organization

<sup>۲</sup> سالم، بهنام (۱۳۸۹) صص ۱-۳

<sup>۳</sup> سالم، بهنام (۱۳۸۹) صص ۱۵-۱۹

<sup>۴</sup> سالم، بهنام (۱۳۸۹) ص ۱۰۴

<sup>۵</sup> سالم، بهنام (۱۳۸۹) صص ۱۲۰-۱۲۳

#### ۴. حق بر توسعه

حق بر توسعه از جمله حقوق بشر است که اهمیت زیادی دارد و لذا باید قبل از آن اهمیت حقوق بشر تبیین شود. بعد از تصویب منشور ملل متحد با توجه به اهمیت حقوق بشری اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۴۸ رسید. نکته قابل توجه در این اعلامیه واژه (جهانی) است که حاکی از جهان شمول بودن حقوق بشر است و لذا واژه (بین المللی) به کار نرفت زیرا استحقاق بشر نسبت به این حقوق فراتر از اراده حاکمیتی کشورها است اعلامیه وین در ۱۹۹۳ نیز بر جهان شمول بودن حقوق بشر تاکید دارد.<sup>۲۵</sup>

حقوق بشر در واقع مطالباتی است که حق مردم به خاطر انسان بودن آنها تلقی می شود و حاکمیت ها ملزم به اعطای این حقوق هستند و هیچ قید و شرطی هم ندارد. به عبارت دیگر حقوق بشر حق انسان به ماهو انسان است یا همان اصطلاح انسان استعلاطی. یعنی اگر انسانی را فارغ از هر نوع اعراض مثل رنگ، نژاد، موقعیت و امثال آن در نظر بگیریم دارای این حقوق است و در واقع یک مفهوم انتزاعی برای انسان در نظر گرفتیم. این مفهوم از بشر در مسیحیت هم (گرچه با مفاهیم معنوی انسان آمیخته شده است) وجود دارد. این مفهوم از انسان در قرآن مجید هم آمده است (سوره ۱۷ آیه ۷۰) که دلالت بر کرامت ذاتی انسانی دارد.<sup>۲۶</sup>

در سیر تحول حقوق بشر که از حقوق اساسی مثل حق حیات شروع شد کم کم به حقوق بشری می‌رسیم که نیاز به اقدامات مشبّت دولت دارد که شامل حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می شود که در میشاق مربوط مصوب ۱۹۶۶ آمده است مثل حق آموزش، حق مسکن مناسب که تحت عنوان حقوق بشر نسل دوم مطرح می شوند. در دوره ۱۹۶۰-۱۹۸۰ نسل دوم حقوق بشر مورد توجه واقع شد که بر اثر فشار کشورهای سوسیالیستی بود. از دهه ۱۹۸۰ به بعد کشورهای در حال توسعه که در حال گذر از مرحله سنتی به مرحله توسعه یافته‌گی بودند و نیز کشورهای عقب افتاده تلاش مضاعفی کردند تا برای نیل به رشد و توسعه مطلوب، حق بپردازند از رشد و توسعه را به عنوان حق بشری وارد ادبیات حقوق بشری نمایند ولو اینکه بعضی از حقوق سیاسی و مدنی آنها محدود شود. این تحول منجر به ایجاد به اصطلاح نسل سوم حقوق بشر شد که از مهم ترین آنها حق بر توسعه می باشد.<sup>۲۷</sup>

قبل از ورود به بحث حق بر توسعه لازم است به بحث عدالت هم اشاره شود که در حقوق بشر جایگاه والا بی دارد. در نظریات معاصر اقتصادی بحث جامعی از عدالت وجود ندارد و تا حد زیادی متمرکز بر تخصیص بهینه و کارآیی منابع و کالاهای رشد و توسعه مربوط به آن است. اما بحث عدالت بر مبنای سه محور مهم نیاز، حق و شایستگی می تواند قابل طرح باشد و اهمیت آن اهمیتی ذاتی است. بعد از این معرفی اجمالی باید مشخص کرد منظور از عدالت توزیعی چیست؟ با توجه به تعریف عدالت توسط جان راولز و عدالت ارسطوی و اصل اخلاقی کانتی و آنچه که مسیحیان از ان به عنوان قاعده طلایی یاد می کنند می توان عدالت توزیعی در زمینه تخصیص امکانات مادی و غیرمادی را تبیین کرد. بدیهی است اصل اولیه برابری همه افراد در تخصیص امکانات است. پس عدالت یعنی طوری رفتار کن که بخواهی به عنوان یک قانون کلی همه مانند آن رفتار کنند. (اصل کانتی)

در واقع عدالت توزیعی دخالت دولت در توزیع مجدد ثروت را به نفع اقشار ضعیف توجیه می کند. عدالت یعنی رفتار برابر در شرایط برابر و رفتار نابرابر در شرایط نابرابر.<sup>۲۸</sup> این نحوه برخورد در رابطه با دخالت دولت در اقتصاد می تواند فرآیند توسعه را متعدد تر نماید.

#### ۴-۱. مفهوم حق بر توسعه در حق بشر

به طور کلی حقوق بشر در سه زمینه قابل طرح است که به ترتیب احترام، حمایت و توسعه (تعمیم) حقوق بشر را شامل می شود. در زمینه حقوق رفاهی و نیز حق بر توسعه دولت ها یک حداقلی را باید رعایت نمایند و بالاتر از این حداقل ها وابسته به امکانات هر دولتی متفاوت خواهد بود. بنابراین رعایت حداقل ها برای حقوق مذکور وظیفه دولت و در واقع تعهد به نتیجه است اگر دولت ناتوان از تامین این حداقل ها به هر دلیلی باشد جامعه جهانی مسئول تحقق این حداقل ها خواهد بود. متناسبانه کشورهای توسعه یافته به وظایف خود در جهت حمایت از تحقق حقوق رفاهی در کشورهای ضعیف عمل نمی کنند مضافاً اینکه بعضی با حمایت از حاکمیت‌های فاسد زمینه نقض این حقوق را فراهم می آورند. در خود کشورهای توسعه یافته نیز اشاری هستند که ار حداقل‌های رفاهی محروم هستند که شامل مهاجران، پناهندگان و بعضی از اقلیت‌های ساکن در این کشورها

<sup>۲۵</sup> قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۱۷۴-۱۷۵

<sup>۲۶</sup> قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۳۱-۳۶

<sup>۲۷</sup> قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۶۴-۶۶

<sup>۲۸</sup> قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۸۴-۸۷

می شود.<sup>۲۹</sup> رشد اقتصادی که همراه با افزایش نابرابری و تبعیض و تمرکز هر چه بیشتر رفاه و قدرت اقتصادی باشد بدون آنکه شاخص‌های توسعه اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی و امثال آن را بهبود دهد یا احياناً همراه با نقض حقوق مدنی و سیاسی باشد نمی‌تواند حق توسعه در حقوق بشر را محقق سازد.<sup>۳۰</sup>

با توجه به ابعاد حق بر توسعه در کنفرانس حقوق بشر در تهران در ۱۳۶۸ میلادی تاکید شد که برخورداری از حقوق اجتماعی و اقتصادی به طور جوهری در ارتباط با برخورداری از حقوق سیاسی و مدنی است. در واقع یک رابطه عمیق میان تحقق حقوق بشری و توسعه اقتصادی است. در ماده ۱۲ اعلامیه کنفرانس حقوق بین الملل حقوق بشر تهران مقرر شد که شکاف روزافرون میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مانع تحقق حقوق بشر در جامعه بین المللی است. مضافاً ماده (۱۳) مقرر می‌دارد تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی بدون بهره مندی از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر نمی‌باشد.<sup>۳۱</sup>

در مقدمه اعلامیه حق توسعه سازمان ملل مقرر شده که توسعه یک فرآیند فراگیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود پایدار رفاه کل مردم و همه افراد بر مبنای مشارکت فعال، آزاد و با معنی انسان در توسعه و توزیع عادلانه منافع ناشی از آن است. بنابراین باید توسعه اقتصادی بر محور حقوق بشر طراحی و اجرا شود. مفهوم توسعه پایدار که نه فقط منافع نسل فلی بلکه منافع نسل‌های آتی را هم در بر دارد در واقع نوعی تفکر حقوق بشری محسوب می‌شود. یکی از ابعاد توسعه پایدار توجه به ابعاد زیست محیطی توسعه است که در واقع مانع عمدۀ برای تخریب گستردۀ سیاره در استفاده افراطی از منابع طبیعی آن می‌باشد.<sup>۳۲</sup>

## نتیجه گیری

در جهان امروز توسعه حقی مسلم و حیاتی در حقوق بشر تلقی می‌شود این حق هم در سیاست‌های ملی و هم در سطح جهانی از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به اهمیت توسعه، اهداف توسعه هزاره در سازمان ملل مشخص شده است. در قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر شده تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد ضروری است. در نهایت می‌توان نکات ذیل را به عنوان نتیجه بیان کرد:

۱. توسعه اقتصادی صرف ضامن تحقق حق بر توسعه نمی‌باشد.
۲. با توجه به چالش‌های اقتصاد معاصر توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی رشد و توسعه ضروری به نظر می‌رسد.
۳. نیاز به دخالت دولت در صحنه ملی برای تامین و حمایت از عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.
۴. با توجه به آثار منفی جهانی شدن و تجارت جهانی بر اقتصاد داخلی، اتخاذ و اجرای سیاست‌های جبرانی و تکمیلی از اولویت خاصی برخوردار است.
۵. محور قراردادن حقوق بشر در فرآیند توسعه ضامن رفاه و امنیت خواهد بود.

<sup>۲۹</sup> قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۲۶۱-۲۵۸

<sup>30</sup> Salem, Behnam (2017)

<sup>31</sup> Salem, Behnam (2017)

<sup>32</sup> Salem, Behnam (2017), The Right to Sustainable Development in international Human Rights”, Survey of Malaysian Law, Vol. 14, ISSUE, 2.

منابع و مراجع

(الف) فارسی

۱. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
۲. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، چاپ چهارم، انتشارات شهر دانش.
۳. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، چاپ سوم، انتشارات شهر دانش.
۴. متولی، محمود (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).

(ب) لاتین

**BOOKS:**

1. Marx, 1906, "Capital" International Institute of Social History, Amsterdam.
2. Keynes, John Maynard, 1916, "The General Theory of Employment, Interest and Money", Palgrave Macmillan.

1. One, Yoshiyaso, (1994), "Money, Interest and Stagnation", Clarendon Press Oxford.

**Articles:**

1. Salem, Behnam (2017), The Right to Sustainable Development in international Human Rights", Survey of Malaysian Law, Vol. 14, ISSUE, 2.

**Documents:**

1. Millennium Development Goals, <http://www.UNDP.org>.
2. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, (1966)
3. The International Covenant on Civil and Political Rights, (1966).
4. Vienna Declaration and Programme of Action (1993)
5. The universal Declaration of Human Rights (1948).

(ج) پایان نامه

۱. سالم، بهنام (۱۳۸۹) چالش‌ها و فرصت‌های آزادسازی تجاری کشاورزی در چند کشور منتخب آسیایی (با تأکید بر بخش‌های کشاورزی و صنعت ایران)، پایان نامه دکترا رشته علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.